

ضرورت تکمیل زنجیره ارزش در صنعت نساجی و ارائه راهکارها (۱)

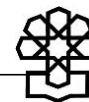
معاونت پژوهش‌های تولیدی و زیربنایی
دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

کد موضوعی: ۳۱۰
شماره مسلسل: ۱۷۲۳۸
آبان‌ماه ۱۳۹۹

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. مفهوم زنجیره ارزش و اهمیت آن.....
۶.....	۲. تحلیل زنجیره ارزش صنعت نساجی.....
۱۸.....	۳. مشکلات توسعه زنجیره ارزش در صنعت نساجی.....
۲۲.....	راهکارهای پیشنهادی.....
۲۴.....	منابع و مآخذ.....



ضرورت تکمیل زنجیره ارزش در صنعت نساجی و ارائه راهکارها (۱)

چکیده

هدف گزارش حاضر معرفی اجمالی زنجیره ارزش صنعت نساجی کشور و شناسایی برخی از چالش‌های تکمیل این زنجیره در کشور است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تکمیل زنجیره ارزش صنعت نساجی از ابعاد مختلفی از جمله اشتغالزایی و ارزش آفرینی، دستاوردهای بسیاری برای کشور دارد. برای مثال در صورت جایگزینی صادرات محصولات انواع فرش و کفپوش به جای مواد اولیه پتروشیمی مصرفی در این صنعت، به‌طور متوسط ارزش حدود پنج برابری عاید کشور می‌شود.

ارکان زنجیره ارزش صنعت نساجی کشور را می‌توان به بخش تأمین‌کنندگان مواد اولیه، تبدیل‌کنندگان (تولید)، صنایع تکمیلی و بخش خدماتی و فروش طبقه‌بندی کرد.

نتایج این گزارش نشان می‌دهد با وجود سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در صنعت نساجی ایران، این صنعت در بخش‌های مختلف زنجیره ارزش دچار گلوگاه و حلقه‌های مفقوده مهم و قابل ملاحظه‌ای است. به‌طوری‌که در بخش تأمین مواد اولیه، پنبه، پشم و سایر مواد سلولزی به‌عنوان مواد اولیه طبیعی و پلی‌استر، آکرلیک، پلی‌آمید و پلی‌پروپیلن از جمله مواد پتروشیمیایی مهم مورد مصرف در صنعت نساجی هستند. در بخش الیاف طبیعی، پنبه عمده‌ترین الیاف مصرفی در این صنعت است. تولید الیاف پنبه ایران حدود ۶۰ هزار تن (۵۰٪ نیاز داخل) است که با توجه به کمبود آن بین ۶۰ تا ۷۰ هزار تن الیاف پنبه (عمدتاً از ازبکستان) وارد می‌شود. در بخش الیاف مصنوعی نیز برخی مواد از جمله پلی‌استر (ظرفیت اسمی حدود ۵۵۰ هزار تن) و پلی‌پروپیلن را مجتمع‌های پتروشیمی کشور تولید می‌کنند، هرچند تولید داخلی برخی از این مواد از جمله پلی‌پروپیلن کمتر از نیاز داخل است اما تعدادی از الیاف‌های مصنوعی مورد نیاز صنعت نساجی از جمله نایلون و آکرلیک در مجتمع‌های پتروشیمی کشور تولید نمی‌شود و نیاز کشور عمدتاً از طریق واردات تأمین می‌شود. به‌عنوان نمونه در حال حاضر نیاز کشور به الیاف آکرلیک حدود ۱۱۵ هزار تن است که نزدیک به ۱۰۰ درصد آن وارد می‌شود. در بخش فرایند تولید نیز با وجود اقدام‌های مثبت انجام شده، صنعت نساجی کشور با چالش‌هایی همچون کاهش سرمایه‌گذاری، متناسب نبودن ظرفیت‌های صنعتی ایجاد شده در طول زنجیره، فرسودگی ماشین‌آلات در برخی از بخش‌های صنعت نساجی (از کل تعداد واحدهای بافندگی، ۴۵ درصد دارای عمر بالای ۲۰ سال هستند) مواجه‌اند.

در بخش صنایع جانبی از جمله صنعت رنگرزی (به‌ویژه مواد اولیه) و تأمین ماشین‌آلات نیز عمده نیاز صنعت از طریق واردات تأمین می‌شود.

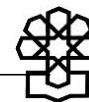
در بخش فروش و صنایع نهایی مرتبط نیز میزان سرمایه‌گذاری پایین، قاچاق و واردات بی‌رویه، مشارکت ضعیف تولیدکنندگان در زنجیره عرضه و برندسازی، ضعیف بودن تبلیغات و بازاریابی حرفه‌ای، بازارهای صادراتی محدود، مشکلات تأمین کمی و کیفی مواد اولیه، عدم توجه به صنعت مد و متناسب نبودن طراحی با نیاز بازار، مدیریت‌های سنتی و غیرعلمی و هدفمند نبودن حمایت‌های دولت از جمله چالش‌های صنایع پایین‌دستی در زنجیره ارزش صنعت نساجی است. در ادامه راهکارهایی از جمله افزایش تولید (سطح زیرکشت) پنبه در کشور، اصلاح نژاد پنبه تولیدی کشور (با در نظر گرفتن محدودیت کمبود آب در کشور، مدیریت عرضه محصولات در بورس کالا و تأمین حداکثری نیاز صنایع پایین‌دست، اصلاح آیین‌نامه جزء «۴» بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق بخشی از تنظیم مقررات مالی دولت (۲) در خصوص تخصیص تخفیفات خوراک در طول زنجیره ارزش، مبارزه با ورود کالاهای قاچاق، توسعه صنایع نساجی و پوشاک برمبنای تمرکز بر تقویت و تکمیل خوشه‌های موجود، بازسازی و نوسازی صنایع نساجی و پوشاک به‌منظور جایگزینی ماشین‌آلات فرسوده، پشتیبانی و ارائه مشوق‌ها برای توسعه بخش رسمی (واحدهای صنعتی) صنعت نساجی و پوشاک و ایجاد مؤسسات خدمات پشتیبان صادرات و آموزش در زمینه صادرات در حوزه صنعت نساجی و پوشاک ارائه شد.

مقدمه

مقام معظم رهبری با تمرکز بر پشتیبانی از تولید داخلی در تداوم موضوع رونق تولید، سال ۱۳۹۹ را با عنوان سال جهش تولید نام‌گذاری کردند. به همین منظور، شناسایی فعالیت‌ها و زنجیره‌های اقتصادی مزیت‌دار کشور و رفع موانع تکمیل زنجیره‌های ارزش در کشور می‌تواند در ایجاد اشتغال، تحرک اقتصادی و بهره‌مندی طبقات پایین از مزایای آن بسیار مؤثر باشد.

در اسناد و قوانین بالادستی کشور نیز از جمله سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، سیاست‌های کلی نظام در برنامه ششم و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی همواره به تکمیل زنجیره ارزش تأکید شده است.

برای مثال در بندهای «۱»، «۵» و «۱۰» سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به تأمین شرایط و فعال‌سازی همه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به‌تناسب ارزش‌افزوده و با خالص ارزآوری مثبت اشاره شده است.



با توجه به اهمیت موضوع، در گزارش حاضر زنجیره ارزش صنعت نساجی که از سابقه تاریخی طولانی در ایران برخوردار است و اشتغالزایی بالایی دارد، از ابعاد مختلف بررسی شده است. در این راستا در بخش اول در خصوص مفهوم زنجیره ارزش و اهمیت تکمیل آن در صنعت نساجی توضیحاتی ارائه شده است. در بخش دوم ارکان زنجیره ارزش صنعت نساجی مشخص و وضعیت این ارکان تحلیل و بررسی شده است. در بخش سوم برخی مشکلات توسعه زنجیره ارزش در صنعت نساجی کشور مشخص شده و در نهایت راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود ارائه شده است.

۱. مفهوم زنجیره ارزش و اهمیت آن

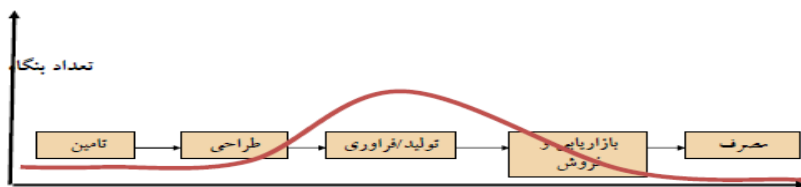
۱-۱. تعریف زنجیره ارزش

زنجیره ارزش زنجیره‌ای است که همه فعالیت‌های مرتبط با جریان کالا و تبدیل مواد، از مرحله تهیه ماده اولیه تا مرحله تحویل کالای نهایی به مصرف‌کننده را دربرمی‌گیرد. به عبارتی در تحلیل زنجیره ارزش تمامی فعالیت‌هایی که در ایجاد ارزش نهایی اثرگذارند در دو بخش فعالیت‌های اصلی و فعالیت‌های پشتیبانی به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

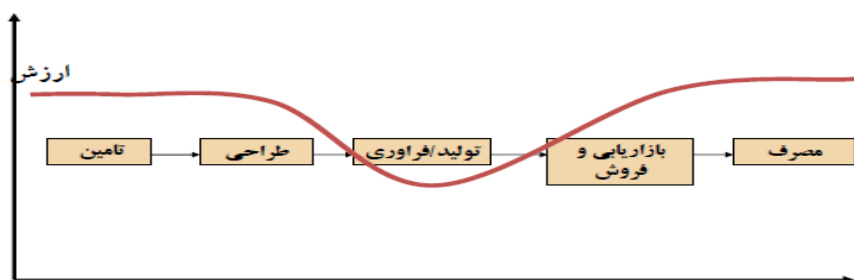
فعالیت‌های اصلی شامل تدارکات منابع تولید، عملیات تولید، تدارکات محصولات و خدمات، بازاریابی، فروش و خدمات پس از فروش و فعالیت‌های پشتیبانی نیز عبارت از تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز، مدیریت منابع انسانی، توسعه فناوری، سیستم تأمین (بعد نرم‌افزاری) است.

تحلیل وضعیت موجود حاکی از آن است که در لایه‌های مختلف زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز کشور چه در بعد ملی و چه در بعد بنگاهی مفاهیم فوق به‌خوبی مورد توجه قرار نگرفته است. به همین منظور خیلی از مجتمع‌های پالایشی و پتروشیمیایی و همچنین رشته صنعت‌های موجود در صنایع تکمیلی مرتبط با نفت و گاز قدرت ایجاد مزیت رقابتی جهت رقابت با کالاهای وارداتی و یا صادرات را ندارند. هرچند محیط کسب‌وکار نیز از حیث ساختاری، قانونی و رفتاری از یک محیط ایدئال فاصله دارد و این مشکلات نیز در کاهش بهره‌وری بنگاه‌ها مؤثر است. بررسی وضعیت کسب‌وکارها در ایران بیانگر آن است که توزیع بنگاه‌ها در زنجیره ارزش عمدتاً در بخش تولید و فراوری و به‌ویژه فروش متمرکز شده است. این در حالی است که توزیع ارزش در زنجیره کسب‌وکار در بخش‌های ایده‌پردازی، ترکیب مواد و طراحی محصول یا خدمت و بازاریابی و فروش و نحوه عرضه آن به مصرف‌کننده نسبت به بخش تولید بیشتر است. در نمودار ۱ تصویری از توزیع بنگاه‌های کشور در زنجیره ارزش و توزیع ارزش در زنجیره کسب‌وکار ارائه شده است.

نمودار ۱. توزیع بنگاه‌های کشور در زنجیره ارزش و توزیع ارزش در زنجیره کسب‌وکار
الف) تصویری از توزیع بنگاه‌های کشور در زنجیره ارزش



ب) تصویری از توزیع ارزش در زنجیره کسب‌وکار

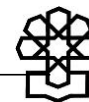


مأخذ: رضا محتشمی‌پور، آنچه باید سیاستگذاران ارشد کشور در توسعه زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی کشور به آن
بپردازند، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۹۶.

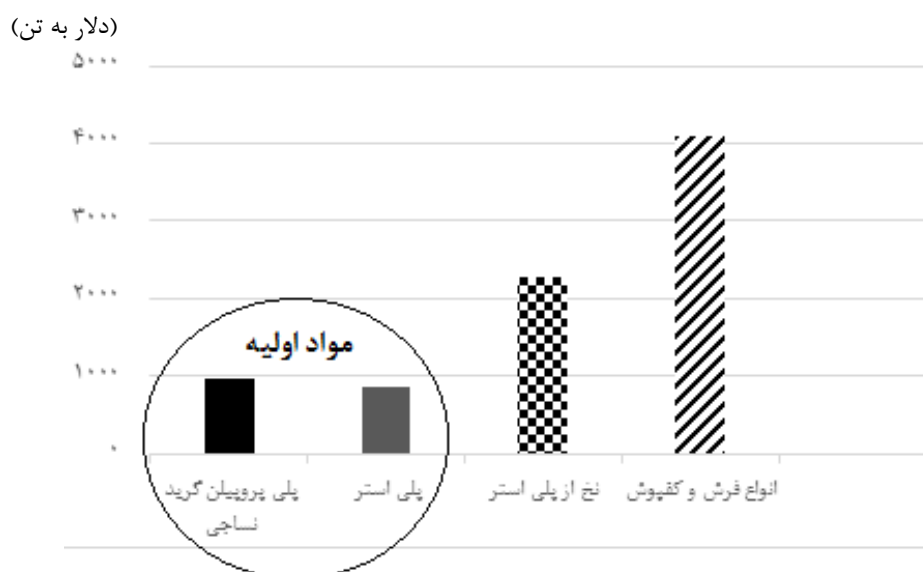
۱-۲. اهمیت تکمیل زنجیره ارزش

۱-۲-۱. تکمیل زنجیره ارزش و ارزش آفرینی بیشتر

با تکمیل زنجیره ارزش و افزایش پیچیدگی فرایند تولید و تولیدات، محصولاتی با ارزش آفرینی بیشتر تولید می‌شود. به عبارتی با حرکت به حلقه‌های انتهایی زنجیره ارزش و نوآوری به منظور تولید محصولات جدید، زمینه تحرک بخشی و تولید محصولات رقابتی در صنایع کشور فراهم می‌شود. برای مثال در نمودار ۲ ارزش هر تن محصول صادراتی زنجیره ارزش صنعت نساجی از مواد اولیه پتروشیمی (پلی‌پروپیلن و پلی‌استر)، حلقه میانی نخ تا محصول نهایی فرش و کفپوش در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۸ ارائه شده است.



نمودار ۲. ارزش هر تن محصول صادراتی زنجیره ارزش صنعت نساجی از مواد اولیه پتروشیمی تا محصول نهایی



مأخذ: محاسبات براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران.

همان‌طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است ارزش هر تن مواد اولیه صادراتی پتروشیمی در حوزه صنعت نساجی (پلی پروپیلن گرید نساجی و پلی استر)، به‌طور متوسط حدود ۹۰۶ دلار در ۱۱ ماه سال ۱۳۹۸ بوده است. این در حالی است که ارزش هر تن نخ از پلی استر معادل ۲۲۸۴/۸ دلار و ارزش هر تن انواع فرش و کفپوش صادراتی حدود ۴۰۸۱ دلار بوده است. این آمار گویای آن است که هرچه زنجیره ارزش به حلقه‌های نهایی نزدیک شود و پیچیدگی فرایند تولید بیشتر شود، ارزش بیشتری حاصل می‌شود. یکی از دلایل ساختاری ارزش پایین صادرات کشور، تمرکز بر مواد خام اولیه کم‌ارزش و با ارزش‌افزوده پایین است که در مجموع درآمد ارزی صادراتی بالایی را ایجاد نمی‌کنند.

۲-۱. تکمیل زنجیره ارزش و اشتغالزایی بیشتر

برپایه آمار مجوزهای بهره‌برداری واحدهای صنعتی وزارت صنعت، معدن و تجارت در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۷ در مجموع، ۱۴۵ هزار واحد صنعتی با اشتغال ۲ میلیون و ۸۵۰ هزار نفر و سرمایه‌گذاری ۷۹۰۰ هزار میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ به بهره‌برداری رسیده است. در این دوره ۱۱ هزار و ۷۰۰ واحد صنعتی نساجی و پوشاک (سهم ۸/۳ درصد از کل صنعت) با اشتغال ۲۷۵ هزار نفر (سهم ۹/۸ درصد)^۲ و سرمایه‌گذاری

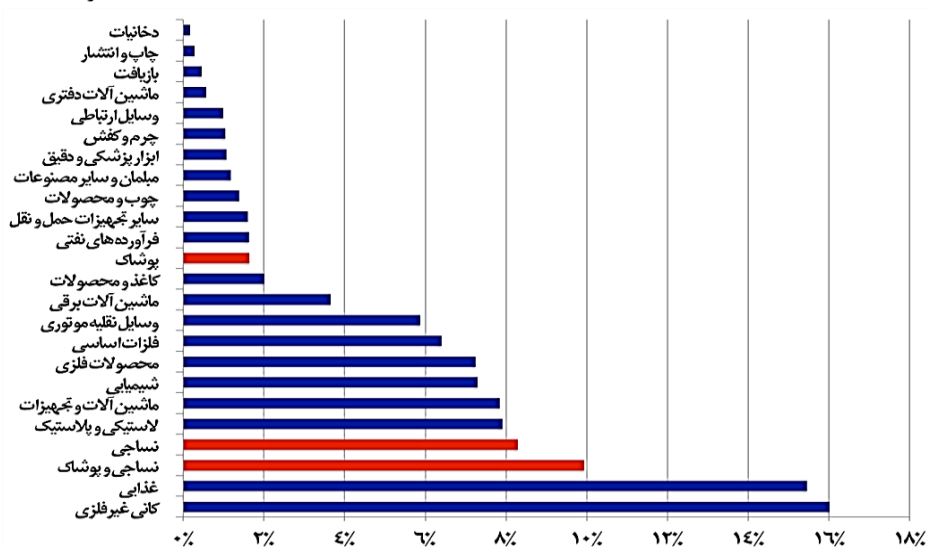
۱. با استفاده از شاخص عمومی بهای کالاها و خدمات، سرمایه‌گذاری طی دوره به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ محاسبه شده است.

۲. از مجموع ۲۷۵ هزار نفر اشتغال ایجاد شده در صنایع نساجی و پوشاک، ۲۲۹ هزار نفر به صنعت نساجی و ۴۶ هزار نفر به صنعت پوشاک تعلق داشته است.

۴۲۳ هزار میلیارد ریال (سهم ۶/۱ درصد) تحت بهره‌برداری قرار گرفت.^۱ در نمودار ۳ سهم رشته‌های صنعتی از کل اشتغال واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۷ ارائه شده است.

نمودار ۳. سهم رشته‌های صنعتی از کل اشتغال واحدهای صنعتی به بهره‌برداری رسیده در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۷

(درصد)



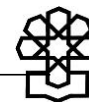
مأخذ: گزارش عملکرد سالیانه وزارت صنعت، معدن و تجارت.

همان‌طور که از نمودار ۳ مشخص است صنایع نساجی و پوشاک نسبت به صنایع مواد و محصولات شیمیایی که در زنجیره ارزش صنعت نساجی نقش تأمین‌کننده مواد اولیه را دارد و در حلقه‌های اول قرار می‌گیرد، اشتغالزایی بیشتری برای کشور به همراه دارند و به‌عنوان صنایع کاربر محسوب می‌شوند. لذا از منظر اشتغالزایی نیز تکمیل زنجیره ارزش حائز اهمیت است.

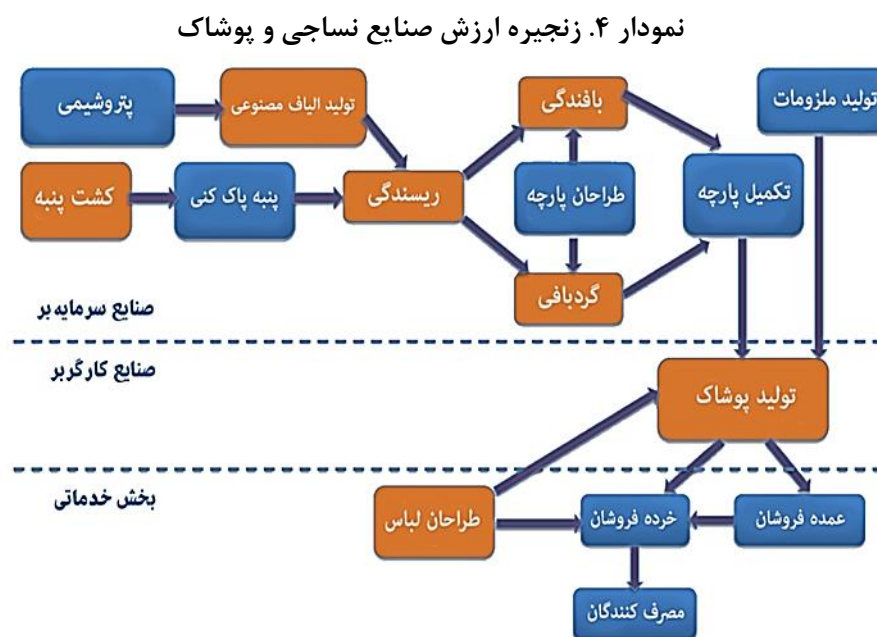
۲. تحلیل زنجیره ارزش صنعت نساجی

زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک از کشاورزی و چاه‌های نفت شروع شده و به خرده‌فروشی پایان می‌پذیرد. این زنجیره در بعد اشتغال صنعتی خود توانایی امکان ایجاد چند صد هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم (فقط جهت رفع نیاز بازار مصرف داخلی) را دارد. با رفع چالش‌های زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک و ارتقای جایگاه آن در اقتصاد کشور امکان رفع بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی کشور (مانند ایجاد اشتغال به‌خصوص برای زنان و جوانان و خلق محتوای مد داخلی مبتنی بر فرهنگ

۱. سرمایه‌گذاری به قیمت جاری در صنعت نساجی و پوشاک طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۷ معادل ۱۳۴/۹ هزار میلیارد ریال بوده است که از این رقم حدود ۱۲۸/۷ هزار میلیارد ریال آن به صنعت نساجی تعلق داشته است.



ملی) فراهم خواهد شد. در نمودار ۴ زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک نشان داده شده است.



جهت تحلیل هرچه بهتر زنجیره عرضه این رشته صنعت، می توان آن را به سه بخش تأمین کنندگان مواد اولیه، تبدیل کنندگان (تولید) و بخش خدماتی بازاریابی و فروش به شرح زیر تقسیم بندی کرد:

۲-۱. تأمین کنندگان مواد اولیه

مهم ترین موضوع در زنجیره تأمین، مواد اولیه مصرفی در این صنعت است. نهادهای اصلی این صنعت شامل مواد سنتزی (مصنوعی) و طبیعی جهت تولید الیاف مختلف به شرح زیر است:

۲-۱-۱. الیاف مصنوعی

برخی از محصولات مورد نیاز صنعت نساجی از جمله آکرلیک و پلی آمیدها و نایلون را در حال حاضر مجتمع های پتروشیمی کشور تولید نمی کنند.

پلیمرهای مورد استفاده در این رشته صنعت با توجه به کاربرد محصول نهایی باید خواص ویژه ای داشته باشند. این امر باعث می شود که فقط تعداد محدودی از پلیمرها شرایط لازم برای ورود به صنعت نساجی را به عنوان ماده اولیه دارا باشند. متداول ترین الیاف مصنوعی شامل پلی استر، نایلون، پلی پروپیلن و آکرلیک است:

۱. الیاف جمع کلمه لیف است. به طور کلی الیاف از رشته های نازک با طول مناسب است که دارای قابلیت انحنای و استحکام کافی برای ریسندگی است و به عنوان مواد اولیه برای تهیه انواع پارچه و نخ مورد استفاده قرار می گیرد.

الف) پلی‌استر: برای تولید الیاف پلی‌استر از ترکیب دی‌متیل ترفتالات و مونواتیلن گلیکول (MEG) و یا اسید ترفتالیک (جایگزین ماده اولیه دی‌متیل ترفتالات) در مجاورت کاتالیست‌های مناسب، استفاده می‌شود. تنها تولیدکننده پلی‌استر در ایران مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان است. در جدول ۱ میزان ظرفیت، تولید و فروش داخلی و صادرات این محصول ارائه شده است.

جدول ۱. میزان ظرفیت، تولید و بازرگانی پلیمر پلی‌اتیلن ترفتالات (پلی‌استر)

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان در سال ۱۳۹۸ (هزار تن)

نام محصول	ظرفیت اسمی	تولید واقعی	فروش داخلی	صادرات
گرید الیاف	۵۵۱/۸	۳۳۸	۲۸۹	۴۰
نخ poY	۶۶	۳۴	۳۴	-

مأخذ: اطلاعات دریافتی از صورت‌های مالی منتهی به اسفند سال ۱۳۹۸ شرکت پتروشیمی تندگویان، ۱۳۹۹.

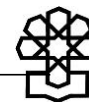
پلی‌استر به مهم‌ترین الیاف نساجی در سطح جهان و به‌ویژه ایران تبدیل شده است. به‌طور کلی در چهار دهه اخیر روند مصرف پلی‌استر نساجی در ایران سه مرحله زیر را طی کرده است.

۱. مرحله اول: به‌کارگیری الیاف پلی‌استر به‌صورت مخلوط با پنبه، ویسکوز و پشم که از دهه پنجاه شمسی به‌تدریج آغاز شد و در دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی به کمال رسید. هرچند استفاده از الیاف پلی‌استر با واردات همراه بود، اما به‌تدریج با توسعه واحدهای ریسندگی الیاف پلی‌استر (ذوب ریزی) و تولید داخلی چیپس پلی‌استر در واحدهای پتروشیمی کشور، بخش غالب مصرف به تولید داخلی متکی شد.

۲. مرحله دوم: استفاده از نخ‌های یکسره پلی‌استر و گسترش حوزه کاربرد آن که از دهه هفتاد شمسی به‌تدریج شروع شد و در دهه هشتاد شمسی به بلوغ خود نایل شد. در این روند مصارف کاربرد پلی‌استر در تولیدات نساجی داخلی به میزان زیادی توسعه یافت و نه‌تنها شامل کاربردهای متنوع در تولید البسه است که در منسوجات منزل (نظیر قالی ماشینی، پتو، رومبلی و پرده) نیز استفاده می‌شود. همزمان با رشد مصرف داخلی، واحدهای تولید نخ یکسره از چیپس پلی‌استر در سطح کشور ایجاد شدند که بخش اعظم نیاز داخلی را مرتفع می‌سازند.

۳. مرحله سوم: کاربرد نخ‌های ریسیده پلی‌استر در تولید پارچه که از نیمه دهه هشتاد آغاز شده است و به میزان بالایی به واردات تکیه دارد. محدودیت نخ‌های یکسره پلی‌استر در زبردست و خواص نساجی مطلوب (به‌خصوص در کاربردهای لباسی) منجر به توسعه بافندگی، رنگرزی، چاپ و تکمیل پارچه از نخ‌های ریسیده شده است.

واحدهای بازیافت پلی‌استر (بطری‌های پت) جهت تولید الیاف پلی‌استر در ۱۰ سال اخیر توسعه پیدا کرده‌اند که بخش مهمی از مواد اولیه تولید الیاف برای مصارفی مانند کفپوش‌های نساجی (فرش



ماشینی و موکت نمدی)، ایزوگام و بی‌بافت‌ها را تأمین می‌کنند.

عوامل متعدد و متنوعی بر روند تند افزایش کاربرد پلی‌استر در تولیدات نساجی ایران تأثیر گذاشته که می‌توان به موارد مهم زیر اشاره کرد:

۱. قیمت تمام شده پایین و در نتیجه بهای فروش ارزان،
۲. دوام بالا و ازسوی دیگر هزینه‌های نگهداری پایین و سهولت استفاده،
۳. مراحل فراوری و تولید ساده‌تر، کم‌هزینه‌تر و با فناوری و سرمایه‌گذاری پایین‌تر،
۴. مدپذیری و پذیرش خوب ازسوی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان پوشاک مد (به‌ویژه البسه زنانه)،
۵. بومی شدن و خودکفایی کامل صنعت پلی‌استر از استخراج نفت و گاز تا تولید منسوجات و پوشاک آماده. نمونه موفق‌تری از کالای نساجی پلی‌استر و رشد مصرف آن، شلوار زنانه لگینگ (سپورت) است. این شلوار در مقایسه با شلوارهای پنبه‌ای یا فاستونی مرسوم دارای فرایند تولید با فناوری و تخصص پایین‌تر و همچنین با سرمایه‌گذاری بسیار نازل‌تر است، مواد اولیه ارزان و ضایعات تولید پایینی دارد. در مجموع نه تنها به علت مطلوبیت پوشش و مد که بنا به دلایلی از قبیل قیمت پایین، دوام بالا و سهولت نگهداری، به کالای غالب در بازار پوشاک تبدیل شده است.

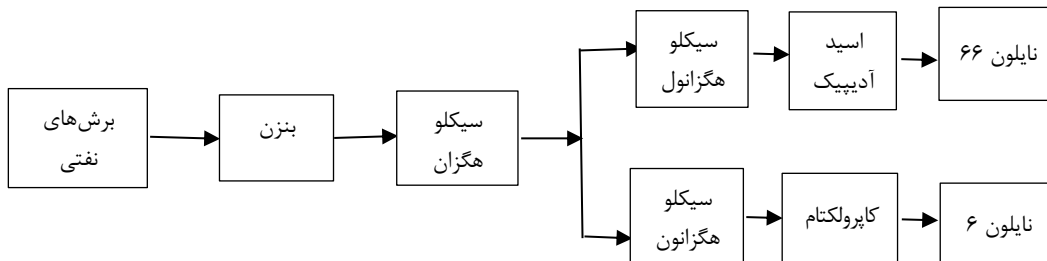
ب) نایلون: از موارد کاربرد نایلون در البسه ورزشی و جوراب است. پارچه نایلون از خاصیت ارتجاعی خوبی برخوردار است و برای موکت و فرش ماشینی با مخلوط الیاف دیگر به کار می‌رود. از آنجایی که الیاف نایلون با استحکام فوق‌العاده زیاد نیز تولید می‌شود، برای نخ تایر اتومبیل و هواپیما همچنین برای ساختن شیلنگ آتش‌نشانی، تسمه، تور ماهیگیری، چتر و طناب به کار می‌رود. با وجود اهمیت و پرکاربرد بودن نایلون، این محصول در صنعت پتروشیمی کشور تولید نمی‌شود.

ج) آکرلیک: الیاف آکرلیک از نظر خواص و موارد استفاده با وزن مخصوص کم، جایگزین پشم است و در تهیه فرش ماشینی، پتو، لباس‌های زمستانی و کشفاف‌ها به مصرف می‌رسد. این محصول نیز در صنعت پتروشیمی کشور تولید نمی‌شود. ماده اولیه این الیاف آکرلونیتریل است، که در حال حاضر طرح پتروشیمی ارگ با ظرفیت اسمی ۱۰۰ هزار تن آکرلونیتریل در دست اجراست اما با وجود گذشت بیش از ۱۰ سال از شروع این طرح تا پایان سال ۱۳۹۸ حدود ۱۲ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. بنا به اظهارات موجود مشکل اصلی تولید آکرلونیتریل در گام نخست کمبود خوراک (پروپیلن) و در گام بعدی مشکلات تأمین دانش فنی تولید آن است.

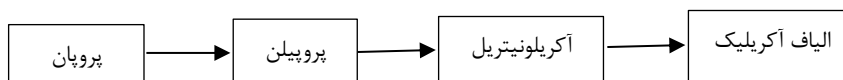
در نمودار ۵ زنجیره تولید نایلون و الیاف آکرلیک از مشتقات منابع هیدروکربوری نفت و گاز ارائه شده است.

نمودار ۵. زنجیره تولید نایلون و الیاف آکرلیک از مشتقات منابع هیدروکربوری نفت و گاز

الف) زنجیره ارزش تولید نایلون در صنعت پتروشیمی

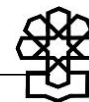


ب) زنجیره ارزش الیاف آکرلیک در صنعت پتروشیمی



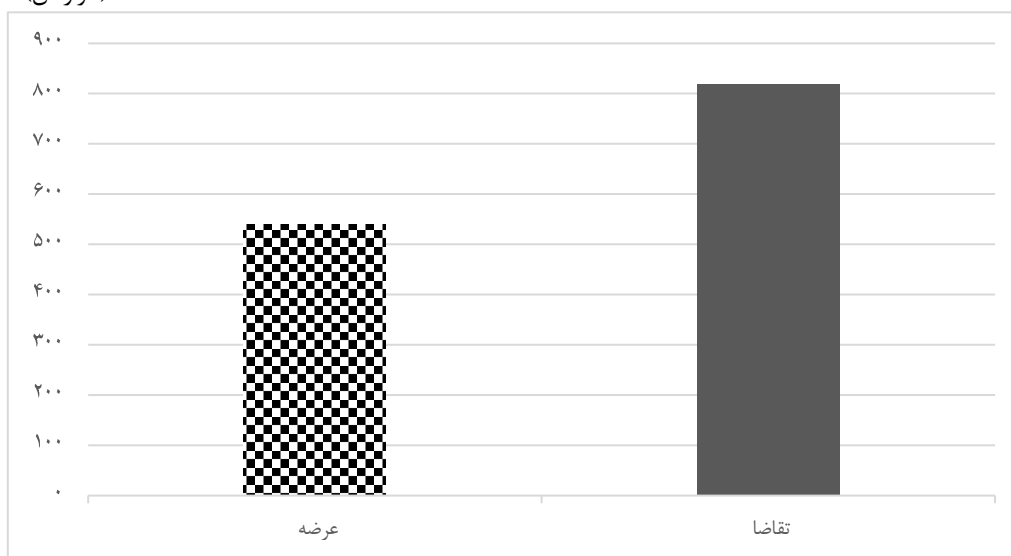
مأخذ: تدوین سند سیاست‌های صنعتی، معدنی و تجاری (شناسایی و معرفی رشته فعالیت‌های صنعتی پیشران و دارای اولویت)، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۸.

د) **پلی پروپیلن گرید نساجی:** الیاف پلی پروپیلن از طریق پلیمریزاسیون پروپیلن به صورت یک پلیمر خطی تهیه می‌شود. کمر بند ایمنی، البسه ورزشی، فرش و قالیچه، دستمال، روبه و روکش اثاثیه منزل، کیسه‌های بسته‌بندی بزرگ، کیف و کوله، البسه با کاربری سنگین، الیاف استیپل، منسوجات بی‌بافت و محصولات پزشکی و بهداشتی از جمله کاربردهای این پلیمر در صنعت نساجی است. محصول پلی پروپیلن گرید نساجی توسط ۶ مجتمع پتروشیمی مارون، شرکت پلی پروپیلن جم، پتروشیمی رجال، پلی نار، شرکت نوید زر شیمی و پتروشیمی سازند تولید می‌شود. ظرفیت تولید انواع پلی پروپیلن در کشور بیش از یک میلیون تن در سال است که بررسی عرضه و تقاضای این محصول در بازار گویای آن است که میزان پلی پروپیلن گرید نساجی تولید شده در کشور کمتر از نیاز داخل است و باید برنامه‌ریزی لازم برای افزایش تولید این محصول در صنعت بالادستی پتروشیمی صورت گیرد. برای نمونه در نمودار ۶ میزان عرضه و تقاضای پلی پروپیلن گرید نساجی در بورس کالا در سال ۱۳۹۸ ارائه شده است.



نمودار ۶. میزان عرضه و تقاضای پلی پروپیلن گرید نساجی در بورس کالا در سال ۱۳۹۸

(هزار تن)



مأخذ: اطلاعات دریافتی از شرکت بورس کالا، ۱۳۹۹.

۲-۱-۲. الیاف طبیعی

- پنبه

تولید الیاف پنبه ایران حدود ۶۰ هزار تن است که با توجه به کمبود آن بین ۶۰ تا ۷۰ هزار تن الیاف پنبه (عمدتاً از ازبکستان) وارد می‌شود.

- پشم

بخش زیادی از پشم داخلی برای تولید قالی، گلیم و منسوجات دستباف مصرف می‌شود، اما عمده الیاف پشم مصرفی کشور برای تولید پارچه از طریق واردات تأمین می‌شود. واردات الیاف و نخ‌های پشمی در ۱۵ سال اخیر روند شدیداً نزولی را تجربه کرد و از ۹ هزار تن در اوایل دهه هشتاد شمسی به سه تا چهار هزار تن در ۱۰ سال اخیر تنزل یافته است. الیاف پشم بیش از ۹۵ درصد کل واردات الیاف و نخ پشم را به خود اختصاص می‌دهد. بخش اصلی واردات الیاف و نخ‌های پشمی برای تولید پارچه‌های فاستونی (پشم-پلی‌استر) انجام می‌شود که با توجه به واردات گسترده پوشاک و ازسوی دیگر کاهش مصرف پوشاک فاستونی (هم در ایران و هم در جهان) مصرف و واردات منسوجات پشم و پشم-پلی‌استر تنزل یافته است.

در جدول ۲ مقادیر مورد نیاز، تولید، واردات و کشورهای عمده تأمین‌کننده اقلام اصلی مواد اولیه صنعت نساجی کشور ارائه شده است.

جدول ۲. برآورد مقادیر مورد نیاز، تولید و سهم واردات اقلام اصلی مواد اولیه صنعت نساجی

(هزار تن)

ردیف	مواد اولیه	برآورد نیاز کشور	تولید کشور در سال ۱۳۹۸	سهم واردات (*) (درصد)	کشورهای اصلی تأمین کننده	منصرف تولید نهایی
۱	الیاف پنبه	۱۲۰	۶۸	۵۰	ازبکستان	پارچه لباسی و منسوجات منزل
۲	الیاف ویسکوز	۳۰	صفر	۱۰۰	هند، چین، اندونزی و آلمان	پارچه لباسی
۳	الیاف پلی استر	۲۰۰	۲۴۰	۵	کره جنوبی، هند و چین	پارچه لباسی و منسوجات منزل
۴	بطری پت بازیافت	۱۲۰	-	-	-	انواع کفپوش
۵	الیاف آکرلیک	۱۱۵	در حد صفر**	۱۰۰	ترکیه، هند، کره جنوبی و چین	فرش ماشینی و مقداری البسه کشیاف
۶	الیاف پشم	۳	صفر	۱۰۰	نیوزیلند و استرالیا	پارچه لباسی (فاستونی)
۷	نخ پنبه‌ای و الیاف مصنوعی	۲۲۰	۲۳۸	۵	ازبکستان، هند و ترکیه	پارچه لباسی
۸	نخ پلی استر (ریسیده)	۳۰	صفر (***)	۱۰۰	چین	پارچه لباسی
۹	نخ پلی استر (یکسره)	۲۸۰	۲۹۶	۱۲	چین	پارچه لباسی و منسوجات منزل
۱۰	نخ آکرلیک	۱۲۰	۱۲۰	۴	ترکیه	فرش ماشینی

(*) سهم واردات براساس متوسط مقادیر واردات در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ محاسبه شده است.

(**) در سال ۱۳۹۸ فقط حدود ۱/۷ هزار تن الیاف آکرلیک در کشور تولید شده است.

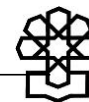
(***) شایان ذکر است امکان تولید نخ پلی استر (ریسیده) در داخل کشور وجود دارد، اما تولیدکنندگان تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر را جایگزین تولید این محصول می‌کنند.

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت و برآوردهای تحقیق.

همان‌طور که از آمار جدول ۲ مشخص است، صنعت نساجی کشور درخصوص تأمین برخی از اقلام مواد اولیه الیاف و نخ به واردات نیاز دارد. در مورد مواد اولیه الیاف، بالاترین میزان وزنی واردات الیاف نساجی مربوط به آکرلیک به میزان حدود ۱۱۵ هزار تن برای تولید فرش ماشینی و پس از آن پنبه به میزان حدود ۶۰ هزار تن جهت ریسندگی نخ‌های پنبه‌ای برای تولید پارچه‌های لباسی است. میزان واردات الیاف پشم پایین است که به همراه الیاف پلی استر وارداتی برای ادامه فعالیت معدود واحدهای تولید پارچه لباس پشم - پلی استر (فاستونی) و تولید البسه رسمی (مانند کت و شلوار و مانتو) ضروری است.

۲-۲. تبدیل کنندگان (تولید)

بخش تبدیل کنندگان (تولید) زنجیره ارزش صنعت نساجی را می‌توان به زیربخش‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:



۱. تولید الیاف طبیعی و یا مصنوعی،

۲. ریسندگی (Spinning)،

۳. بافندگی (Weaving)،

۴. رنگرزی، چاپ و تکمیل (Dying, Printing and Finishing)،

در هریک از چهار زیربخش بالا بخشی از عملیات تبدیل نهاده‌های اولیه به محصول نهایی یعنی پارچه (به انواع روش‌ها مانند بافندگی تار - پودی یا بافندگی حلقوی) صورت می‌گیرد. در بخش تولید الیاف، فعالیت اصلی تولید الیاف طبیعی یا تبدیل منابع ورودی (معمولاً پلیمری) به لیف یا رشته است، در بخش دوم نیز لیف به کمک فرایندهای مختلف ریسندگی به نخ تبدیل می‌شود. نهایتاً نخ تولید شده با ماشین‌های بافندگی به پارچه تبدیل و در بخش نهایی تولید پارچه نیز عملیات رنگرزی و تکمیل و در صورت نیاز عملیات چاپ روی آن اعمال می‌شود.

۲-۲-۱. ریسندگی نخ پنبه‌ای و الیاف مصنوعی

میزان تولید نخ سیستم پنبه‌ای و ترکیبی الیاف مصنوعی کشور در سال ۱۳۹۸ حدود ۲۳۸ هزار تن بوده است. در این زمینه استان اصفهان بیشترین ظرفیت تولیدی (با سهم ۲۵ درصد از کل) را دارد. پس از اصفهان، استان‌های گیلان، قزوین، مرکزی، خراسان، مازندران و یزد دارای ظرفیت‌های قابل توجه تولید نخ پنبه‌ای و الیاف مصنوعی هستند.

میزان تولید الیاف و تاپس پلی‌استر حدود ۲۴۰ هزار تن و نخ پلی‌استر حدود ۲۹۶ هزار تن در سال ۱۳۹۸ بوده است. استان‌های مرکزی و اصفهان به ترتیب با سهم ۲۲ و ۲۰ درصد از کل ظرفیت کشور در این زمینه پیشرو هستند.

۲-۲-۲. بافندگی پارچه‌های پنبه‌ای و الیاف مصنوعی

ظرفیت‌های نصب شده بافندگی پارچه‌های پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور امکان تولید حدود ۱/۳ میلیارد مترمربع در سال را دارند. تعداد کارگاه‌ها و کارخانه‌های بافندگی کشور (اعم از در حال کار یا تعطیل) ۹۶۰ واحد است که به‌طور میانگین ظرفیت تولید سالانه هر واحد یک میلیون و سیصد هزار متر مربع (۹۰۰ هزار متر طول) پارچه پنبه‌ای و الیاف مصنوعی است. بیش از نیمی از پارچه‌های سیستم پنبه‌ای و الیاف مصنوعی کشور در استان‌های یزد (با سهم ۲۷ درصد از کل کشور) و اصفهان (۲۶ درصد از کل کشور) تولید می‌شود.

۲-۲-۳. بافندگی فرش ماشینی

تا پایان سال ۱۳۹۶ در سطح کشور حدود ۱۰۴۵ واحد فعال فرش ماشینی با مجموع ظرفیت تولید حدود ۱۴۰ میلیون متر مربع، با اشتغال‌زایی بیش از ۳۴ هزار نفر فعالیت داشتند. حدود ۷۰ درصد ظرفیت فرش ماشینی کشور در استان اصفهان نصب شده است. در زمینه تأمین مواد اولیه خاص

واحدهای فرش ماشینی (نخ سمی‌ورستد^۱ آکرلیک) که جهت نخ پرز فرش استفاده می‌شود، نزدیک به یکصد واحد ریسندگی نخ آکرلیک با مجموع ظرفیت ۱۸۰ هزار تن در سال فعالیت دارند. نیمی از این واحدها در استان اصفهان و در هریک از استان‌های خراسان رضوی و یزد در حدود ۱۰ درصد از ظرفیت‌های تولید کشور استقرار یافته‌اند. میزان تولید فرش ماشینی کشور در سال ۱۳۹۷ حدود ۸۹/۴ میلیون مترمربع بوده است.

۲-۲-۴. پارچه‌های بافندگی حلقوی

بیش از ۹۰۰ واحد تولیدکننده پارچه‌های بافندگی حلقوی با ظرفیت بیش از ۴۰۰ هزار تن در سال در سطح کشور فعالیت دارند. حدود ۷۰ درصد ظرفیت‌های بافندگی حلقوی (شامل گردباف، تخت‌باف، کتن و راشل) در استان تهران است.

۲-۲-۵. تولید سایر منسوجات

در سطح کشور بیش از ۳۰۰ واحد تولیدکننده جوراب مجوز فعالیت رسمی از وزارت صنعت، معدن و تجارت دریافت کرده‌اند. میزان ظرفیت تولیدی این واحدها ۲۱ میلیون دوجین است که بخش اعظم آن در استان‌های تهران (۳۵ درصد از کل)، آذربایجان شرقی (۱۶ درصد) و مرکزی (۱۴ درصد) واقع است. میزان ظرفیت تولید انواع کیسه و گونی پلی‌پروپیلن کشور ۴۳۰ هزار تن گزارش شده که دو سوم آن در استان‌های مرکزی، آذربایجان شرقی، گیلان و اصفهان نصب است.

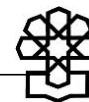
ظرفیت‌های نصب شده بافندگی پارچه فاستونی در حدود ۹۰ میلیون مترمربع است که تولید پارچه فاستونی کشور در حدود ۲۰ درصد آن برآورد می‌شود. ظرفیت تولید نخ‌های سیستم پشمی ۴۰ هزار تن است که شامل نخ پتو با ۳۰ هزار تن و نخ خامه قالی ۱۰ هزار تن است.

۲-۲-۶. واحدهای تولیدی خدمات تکمیلی

صنایع رنگرزی و چاپ از جمله صنایع تکمیلی^۲ در صنعت نساجی محسوب می‌شوند. مواد اولیه صنعت رنگ با تقطیر بسیاری از ترکیبات آروماتیکی حاصل می‌شود. پایه آنها فنل‌ها، آمین‌ها، فتالین‌ها، سیانین، بنزن و تولوئن و ... است که توسط واکنش‌هایی همچون آمیناسیون، آلکیلاسیون، اکسیداسیون، احیا و هیدروژناسیون به رنگزای مورد نظر تبدیل و در نهایت در رنگرزی و چاپ کالاهای نساجی اعم از الیاف، نخ، پارچه و لباس استفاده می‌شوند. در مورد رنگزاهای و سایر مواد شیمیایی صنعت نساجی نیز عموماً این دسته از مواد، وارداتی هستند و آن قسمتی از تولیدکننده‌ها که در کشور مشغول به فعالیت هستند مواد

1. Semi-Worsted Yarn

۲. منظور از «تکمیل» در صنعت نساجی، مجموعه عملیات و مراحل انجام شده بر فراورده نساجی با هدف بالا بردن کیفیت و مرغوبیت آن است. به‌عنوان نمونه تثبیت ابعاد پارچه به عملیاتی گفته می‌شود که مانع آب‌رفتگی و کوتاه شدن پارچه می‌شود. آهارزنی موادی است که موجب استحکام نخ می‌شود و تقلیل وزن پارچه عملیاتی است که در دما و محیط خاص به‌منظور بهبود خواص پارچه از جمله افزایش جذب رطوبت، افزایش جذب رنگ و ظرافت پارچه صورت می‌گیرد.



اولیه خود را از خارج کشور دریافت می‌کنند.

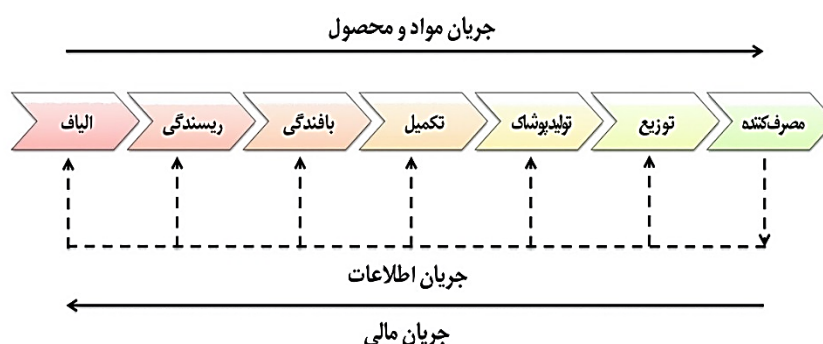
واردات مواد اولیه رنگ‌ها و مواد شیمیایی تخصصی نساجی ایران از ۴۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ با رشد نسبتاً مستمری به ۱۰۰ میلیون دلار در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ افزایش یافت. هرچند تحریم‌های دور اول ایران به کاهش واردات این مواد اولیه منجر نشد، اما در نتیجه افت قدرت خرید مردم واردات به ۹۰ میلیون دلار در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ کاهش پیدا کرد. واردات مواد اولیه رنگ و مواد شیمیایی به ۱۰۸ میلیون دلار در سال ۱۳۹۶ افزایش یافت، اما با افزایش شدید نرخ ارز در سال ۱۳۹۷ با ۲۶ درصد کاهش به ۸۰ میلیون دلار تنزل پیدا کرد.

در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ میانگین سالیانه واردات رنگ‌ها و مواد شیمیایی نساجی ایران از کشورهای چین ۳۹ میلیون دلار (با سهم ۴۳ درصد)، هند ۲۳ میلیون دلار (با سهم ۲۶ درصد)، ترکیه ۱۳ میلیون دلار (با سهم ۱۴ درصد)، کره جنوبی ۱۰ میلیون دلار (با سهم ۱۱ درصد) و سهم کشورهای اروپایی از واردات این مواد اولیه کمتر از ۱۰ درصد بود.

۲-۳. زنجیره فروش و صنایع پایین‌دستی صنعت نساجی

در بخش زنجیره فروش با توجه به اینکه کالای نهایی و مصرفی چه محصولی باشد، نیاز است تا نهایتاً کالای نهایی تولید شده (پوشاک، فرش، سایر کالاهای صنعتی) از طریق روش‌های مختلف فروش مانند مستقیم، سازمانی یا آنلاین، یا به صورت مرسوم فروشگاه‌های خرده‌فروشی به دست مصرف‌کنندگان نهایی برسد. در نمودار ۷ تصویری از زنجیره عرضه صنعت نساجی و پوشاک ارائه شده است.

نمودار ۷. زنجیره عرضه صنعت نساجی و پوشاک

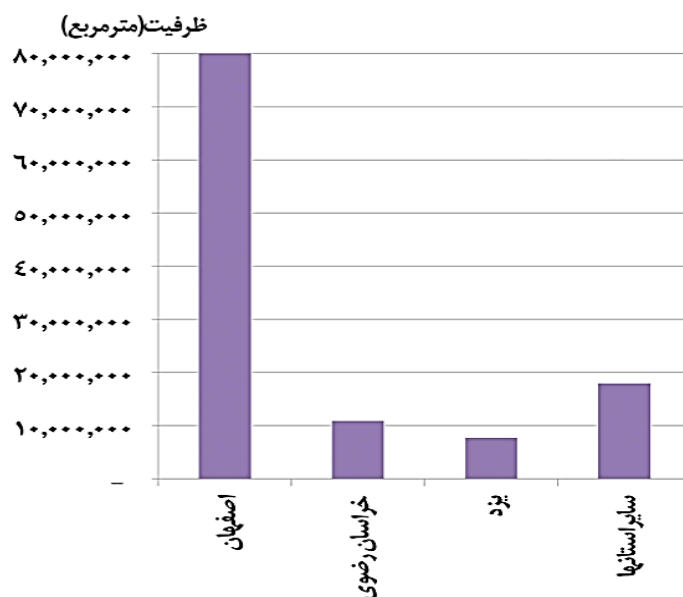


همان‌طور که اشاره شد، صنایع پایین‌دستی صنعت نساجی را صنایع متعددی از جمله پوشاک، منسوجات خانگی، منسوجات صنعتی، فرش، کفپوش و منسوجات دارای کاربرد در صنایع مختلف مانند پزشکی، بهداشتی، هوایی، کشاورزی، ساختمان و راه‌سازی تشکیل می‌دهد. در این بخش به دو صنعت پوشاک و فرش ماشینی به‌عنوان نمونه پرداخته شده است.

۱-۳-۲. صنعت فرش ماشینی

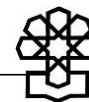
در سطح کشور ۹۰۰ واحد فرش ماشینی با مجموع ظرفیت تولید حدود ۱۴۰ میلیون متر مربع فعالیت دارند که ۷۰ درصد آن در استان اصفهان نصب است. واحدهای نصب شده در استان اصفهان اصولاً در شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل استقرار دارند. روند ایجاد واحدهای بافندگی فرش ماشینی از سال ۱۳۸۲ سرعت گرفت و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به اوج خود رسید. بیش از نیمی از ظرفیت‌های تولیدی و ۷۰ درصد ظرفیت‌های تولیدی فعال فرش ماشینی کشور در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ نصب شد که فقط ۲۲ درصد آن مربوط به دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ است. نیمی از ظرفیت‌های بافندگی فرش ماشینی دارای عمر زیر ۱۰ سال و فقط ۱۳ درصد دارای عمر بالای ۲۰ سال هستند. میزان تولید واقعی فرش ماشینی کشور در سال ۱۳۹۷ حدود ۸۹/۴ میلیون متر مربع بود. در نمودار ۸ توزیع ظرفیت‌های بافندگی فرش ماشینی در سطح کشور ارائه شده است.

نمودار ۸. توزیع ظرفیت‌های بافندگی فرش ماشینی در سطح کشور



مأخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت.

در زمینه تأمین مواد اولیه خاص واحدهای فرش ماشینی (نخ سمی و رستد آکرلیک) که جهت نخ پرز فرش استفاده می‌شود، نزدیک به یکصد واحد ریسندگی نخ آکرلیک با مجموع ظرفیت ۱۸۰ هزار تن در سال فعالیت دارند. نیمی از این واحدها در استان اصفهان و در هریک از استان‌های خراسان رضوی و یزد در حدود ۱۰ درصد از ظرفیت‌های تولید کشور استقرار یافته‌اند. خوشه فرش ماشینی کشور در منطقه شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل استان اصفهان به تدریج شکل گرفته است.



صادرات کفپوش‌های بافته شده تاری-پودی (عمدتاً شامل فرش ماشینی) جهان از ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ میلادی افزایش یافت. با وجود اینکه بلژیک اولین صادرکننده جهانی این کالا به‌شمار می‌رفت، به تدریج از ترکیه به میزان زیادی عقب افتاد. در سال ۲۰۱۸ میلادی کشورهای ترکیه با ۱۹۰۰، هند با ۵۶۰، بلژیک و چین هر یک با ۴۷۰ و ایران با ۳۷۰ میلیون دلار مهم‌ترین صادرکنندگان جهانی این کالا به‌شمار می‌رفتند. در دو دهه اخیر ایران توانسته تا سهم خود را از بازار جهانی کفپوش‌های بافته شده تاری-پودی از ۲/۸ درصد در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۶/۲ و ۷۰/۳ درصد به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی افزایش دهد. در سه سال اخیر دوسوم صادرات فرش ماشینی ایران به کشورهای عراق و افغانستان صورت گرفته است. صادرات فرش ماشینی ایران به عراق ۱۴۶ میلیون دلار با سهم ۴۳ درصد و افغانستان ۸۳ میلیون دلار با سهم ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸ میلادی) بود. در این سال سایر بازارهای مهم صادرات فرش ماشینی ایران عبارت بودند از: پاکستان با ۱۵/۵، چین با ۱۱/۸، استرالیا با ۷/۵، قطر با ۷/۳، امارات متحده عربی با ۶/۷ و ترکمنستان با ۶/۵ میلیون دلار.

۲-۳-۲. صنعت پوشاک

صنعت پوشاک در ایران از اوایل دهه پنجاه شمسی با ایجاد سه کارخانه فعالیت خود را آغاز کرد. تلاش برای توسعه این صنعت به صادرات پوشاک ساخت ایران به بازارهای اروپایی از اوایل دهه هفتاد میلادی منجر شد. این صنعت پس از یک دوره رونق در دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد با چالش‌های فراوانی از نیمه دوم دهه هشتاد به بعد مواجه شد و با هجوم واردات سهم آن در اقتصاد ایران کاهش یافت. به صورتی که مقدار صادرات پوشاک کشور از بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۲ به کمتر از ۶۰ میلیون دلار در سال ۱۳۹۸ کاهش یافت.^۱ این روند رو به افول صنعت پوشاک سبب آسیب‌هایی در حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش پوشاک کشور شد که اهم آن به شرح زیر است:

۱. سرمایه‌گذاری در صنعت بالادستی نساجی (پارچه لباسی) و همچنین پوشاک در حد لازم و کافی انجام نشده و در نتیجه زیرساخت صنعتی رقابتی وجود ندارد. با توجه به ضعف تأمین مالی و دست‌اندرکاران سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از کیفیت و قدرت رقابت پایینی برخوردار است.
۲. واردات پوشاک (ارزان قیمت با دامپینگ) از کشورهای تولیدکننده ارزان قیمت صدمات بالایی به صنعت پوشاک کشور وارد کرده است.
۳. ضعف ساختاری شبکه توزیع و قاچاق موجب شد تا بازار ایران از پوشاک (با برندهای تقلبی) اشباع شود که رقابت با آنها دشوار است.
۴. ساختار اقتصادی کشور موجب شده تا واردات تسهیل و از کمترین پرداخت مالیات و عوارض

۱. صنعت پوشاک ایران: فرصت تاریخی و تکرار نشدنی، انجمن صنایع پوشاک ایران و دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۹۶.

۲. آمار صادرات و واردات سال ۱۳۹۸، گمرک جمهوری اسلامی ایران.

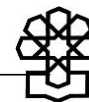
- برخوردار شود و در همین حال فشار روی تولیدکنندگان (به‌ویژه صنایع اشتغالزا) افزایش پیدا کند.
۵. بخش طراحی و مد پوشاک متناسب با نیاز صنعت رشد پیدا نکرده است.
 ۶. مواد اولیه باکیفیت و با قیمت‌های رقابت‌پذیر برای صنعت پوشاک تأمین نمی‌شود.
 ۷. بخش چشمگیری از تولید پوشاک کشور به‌صورت غیررسمی فعالیت می‌کند.
 ۸. شبکه توزیع ارتقا نیافته و هزینه بالایی به صنعت تحمیل می‌کند. به دلیل ضعف تولید، بخش توزیع و فروش به سمت پوشاک خارجی متمایل شد و این مسئله خود عامل تشدید عدم رقابت‌پذیری صنعت پوشاک کشور است.
 ۹. نتایج حاصل از سیاستگذاری‌های اقتصادی و صنعتی کشور به‌رغم برنامه‌های دولت برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط به رشد صنایع منبع‌محور در کشور منجر شده است و سهم صنایع ساخت‌محور از جمله صنایع نساجی و پوشاک در شاخص‌های اقتصادی از جمله صادرات غیرنفتی رشد چندانی نداشته است.
 ۱۰. دسترسی به سرمایه خارجی و بازارهای صادراتی اصلی (کشورهای توسعه‌یافته) وجود ندارد.

۳. مشکلات توسعه زنجیره ارزش در صنعت نساجی

با وجود سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در صنعت نساجی ایران، این صنعت در بخش‌های مختلف زنجیره ارزش آن دچار گلوگاه و حلقه‌های مفقوده مهم و قابل ملاحظه‌ای است. در بخش اولیه زنجیره شامل تأمین الیاف یا پلیمرهای سنتزی، نه‌تنها سرمایه‌گذاری درخور و متناسب با ظرفیت‌های نساجی کشور انجام نشده، بلکه ظرفیت‌های موجود نیز طی دو دهه گذشته تا حدی فرسوده شده و کارایی لازم را از دست داده‌اند. در بخش فرایند تولید نیز کاهش سرمایه‌گذاری و فرسودگی ماشین‌آلات در اغلب بخش‌های این صنعت و به‌ویژه تولید پارچه لباسی و حلقه‌های نهایی از ارزش‌افزایی این صنعت کاسته است. در انتهای این زنجیره نیز که به وارد شدن محصولات نهایی همچون پوشاک به بازار نیاز است؛ حجم بالای واردات غیررسمی و قاچاق لطمات زیادی به این صنعت وارد کرده است. در ادامه چالش‌های زنجیره ارزش صنعت نساجی در بخش‌های تأمین مواد اولیه، فرایند تولید و زنجیره پایین دست آن از جمله بخش صنایع پوشاک و فرش ماشینی ارائه شده است.

۳-۱. چالش‌های تکمیل زنجیره ارزش صنعت نساجی در بخش تأمین مواد اولیه

با توجه به اینکه سهم عمده قیمت تمام شده کالای نهایی مرتبط با مواد اولیه مصرفی است، لذا نیاز است در بخش زنجیره تأمین بنگاه‌های فعال در این صنعت از یک اطمینان‌خاطر در قیمت، کمیت و کیفیت مواد اولیه برخوردار باشند که متأسفانه این موضوع با مشکلات زیادی مواجه است. چراکه بخشی از این مواد از خارج کشور تأمین می‌شوند که همین موضوع سبب شده است هزینه‌های تأمین را افزایش



دهد. در خصوص مواد اولیه‌ای که در داخل نیز تأمین می‌شود بعضاً با کمبود برخی مواد اولیه و افزایش رقابت در بورس کالا مواجه می‌شوند.

همان‌گونه که اشاره شد مواد اولیه صنعت نساجی به دو دسته مواد اولیه طبیعی از جمله پنبه و مواد اولیه مصنوعی از جمله پلیمرهای صنعت پتروشیمی طبقه‌بندی می‌شود. در خصوص الیاف پنبه نیاز کشور حدود ۱۲۰ هزار تن پنبه در سال است در حالی که ظرفیت تولید پنبه کشور امکان تأمین نیمی از این نیاز را دارد و مابقی پنبه مصرفی در صنعت نساجی کشور عمدتاً از طریق واردات از کشور ازبکستان تأمین می‌شود. از جمله راهکارهایی که به نظر می‌رسد در تولید بیشتر پنبه در کشور مؤثر باشد اصلاح نژاد پنبه تولیدی در جهت آب‌بری کمتر و تولید محصول بیشتر و باکیفیت بالاتر است.^۱

در بخش پلیمرهای مصنوعی نیز مشکل به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول آن دسته از پلیمرهایی است که زنجیره ارزش آنها در کشور شکل گرفته و در داخل تولید می‌شود از جمله پلی‌استر و پلی‌پروپیلن گرید نساجی، اما تولید آنها کمتر از نیاز داخل است. بخشی از این مشکل را می‌توان با مدیریت عرضه محصولات در بورس کالا و تأمین حداکثری نیاز صنایع پایین دست توسط تولیدکنندگان صنایع بالادست، برطرف کرد.

دسته دوم محصولاتی از جمله آکرلیک و نایلون است که در کشور تولید نمی‌شود و باید برنامه‌ریزی لازم برای تکمیل زنجیره ارزش آنها در صنایع بالادست یعنی صنعت پتروشیمی کشور صورت گیرد. همان‌طور که اشاره شد نیاز صنعت نساجی کشور به الیاف آکرلیک حدود ۱۱۵ هزار تن در سال عمدتاً برای تولید فرش ماشینی است. یکی از دلایل عدم تولید این محصول در کشور کمبود پروپیلن به‌عنوان ماده اولیه فرایند تولید آکرلیک است. در این خصوص اصلاح آیین‌نامه جزء «۴» بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق بخشی از تنظیم مقررات مالی دولت (۲) و ارائه تخفیف خوراک در صنعت پتروشیمی متناسب با تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر و تأمین نیاز داخل می‌تواند مؤثر باشد.

۳-۲. چالش‌های تکمیل زنجیره ارزش صنعت نساجی در بخش فرایند تولید

۳-۲-۱. کاهش سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی

براساس برآورد سرمایه‌گذاری به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی کشور از ۱۳ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۳۰ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ صعود کرد، اما از آن پس به‌شدت کاهش یافت به ۵/۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ سقوط کرد. طی دهه هشتاد سرمایه‌گذاری در صنایع نساجی به تدریج رشد پیدا کرد و به ۲۸ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت. در سال ۱۳۹۱ میزان سرمایه‌گذاری به‌شدت سقوط کرد و به ۹/۵ هزار میلیارد ریال رسید. این روند تا سال

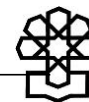
۱. نجفی علمدارلو، حامد، بررسی اقتصادی تولید پنبه در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۶۶۷۴، ۱۳۹۸.

۱۳۹۲ ادامه یافت و در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ بهبود پیدا کرد و سرمایه‌گذاری در این صنعت در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، به ترتیب به ۱۶ و ۱۴ هزار میلیارد ریال رسید. رشد سرمایه‌گذاری صنایع نساجی در نیمه اول دهه هشتاد ناشی از اجرای طرح بازسازی و نوسازی صنایع نساجی است.

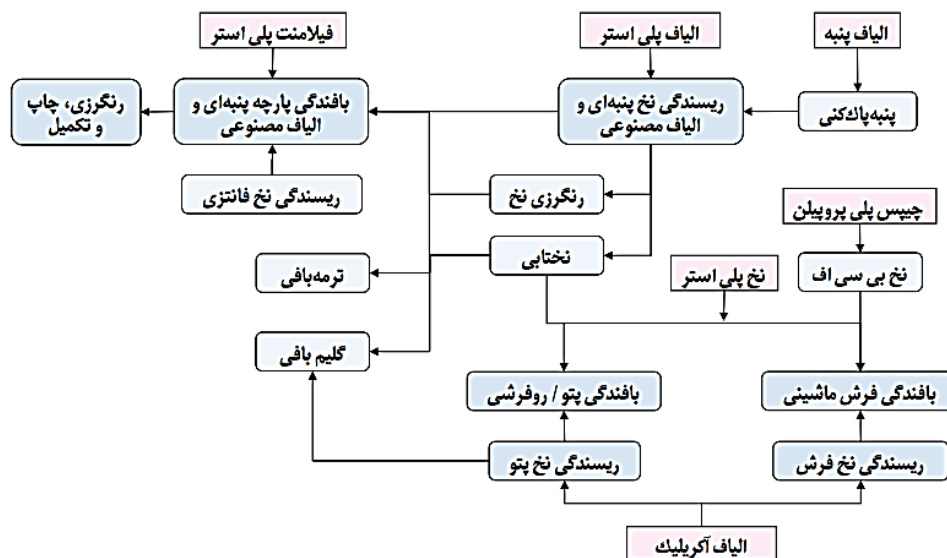
۲-۳. متناسب نبودن ظرفیت‌های صنعتی ایجاد شده در صنعت نساجی

با وجود اینکه در زنجیره ارزش تولیدات نساجی، با حرکت به سمت جلو، میزان ایجاد ارزش افزوده بالا می‌رود، اما شواهد حاکی از آن است که در حلقه‌های نهایی صنعت نساجی میزان سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی پایین می‌آید و در مجموع به این بخش کم‌توجهی شده است و به همین دلیل ارزش افزوده کمتری هم ایجاد می‌شود این در حالی است که چنانچه ایجاد ظرفیت‌های هر بخش از زنجیره نساجی با بخش‌های دیگر آن متناسب باشد، نتایج به مراتب بیشتری در بخش ایجاد ارزش افزوده و اشتغالزایی حاصل می‌شود. برای مثال در ادامه وضعیت خوشه صنعت نساجی یزد و ارتباط با شاخه‌ها و واحدهای آن بررسی شده است.

هسته اصلی زنجیره صنایع نساجی یزد مبتنی بر صنعت بافندگی است که شامل بافندگی انواع پارچه‌های پنبه‌ای و الیاف مصنوعی، لباسی، فاستونی، پرده‌ای، رومبلی، پتو، روفرشی و فرش ماشینی است. خروجی واحدهای تولید پتو و فرش ماشینی به محصولات نهایی و آماده مصرف ختم می‌شود. یکی از مشکلات خوشه صنعت نساجی یزد این است که ظرفیت کل بخش رنگرزی و تکمیل یک‌سوم ظرفیت بخش بافندگی است، یعنی برای یک‌سوم از تولید پارچه پنبه‌ای و الیاف مصنوعی استان، امکانات رنگرزی و تکمیل آن وجود دارد. میزان بسیار پایین تولید پارچه تکمیل شده و پوشاک و کالاهای نهایی مصرفی در مقایسه با تولید پارچه خام حاکی از شکاف بین هسته مرکزی خوشه نساجی یزد و حلقه‌های نهایی زنجیره تولید نساجی و همچنین مشارکت در بخش عرضه است. در نمودار ۹ ارتباط بین شاخه‌ها و واحدها در خوشه نساجی یزد ارائه شده است.



نمودار ۹. ارتباط بین شاخه‌ها و واحدها در خوشه نساجی یزد



۳-۲-۳. فرسودگی ماشین‌آلات در برخی از بخش‌های صنعت نساجی

فرسودگی ماشین‌آلات صنعت نساجی نیز یکی از چالش‌های تکمیل زنجیره ارزش این صنعت است، زیرا فرسودگی ماشین‌آلات مانع از تولید محصولات باکیفیت در این صنعت و پوشش نیازهای صنایع پایین‌دست از جمله صنعت پوشاک می‌شود. برای نمونه از کل تعداد واحدهای بافندگی، ۴۵ درصد دارای عمر بالای ۲۰ سال، ۳۳ درصد دارای عمر بین ۱۰ تا ۲۰ سال و کمتر از ۲۲ درصد دارای عمر کمتر از ۱۰ سال هستند. زنجیره تولید پارچه لباسی (از ریسندگی نخ‌های پنبه‌ای و الیاف مصنوعی تا بافندگی و به‌ویژه رنگرزی، چاپ و تکمیل) نسبت به بخش‌های دیگر صنعت نساجی مانند تولید الیاف و نخ‌های مصنوعی یا فرش ماشینی فرسوده‌تر و از رده خارج شده‌تر است. این چالش سبب کاهش تدریجی کیفیت محصولات تولیدی این بخش و به‌نوعی باعث ایجاد رکود در این صنعت شد. در این شرایط کالاهای تولیدی توان رقابت با محصولات خارجی را نداشتند و سرمایه‌گذاری‌ها به‌طور چشمگیری کاهش یافت.

۳-۲-۴. چالش‌های تکمیل زنجیره ارزش صنعت نساجی در بخش فروش و صنایع نهایی

میزان سرمایه‌گذاری پایین، قاچاق در حوزه صنایع نساجی و پوشاک، تخلفات مهم کم‌اظهاری و بداظهاری، واردات بی‌رویه پوشاک ارزان قیمت (با برندهای جعلی)، عدم توجه به مشارکت در زنجیره عرضه و برندسازی، فقدان رقابت‌پذیری، بازارهای صادراتی محدود، مشکلات تأمین کمی و کیفی مواد اولیه، عدم توجه به صنعت مد و متناسب نبودن طراحی با نیاز بازار، مدیریت‌های سنتی و غیرعلمی و فقدان حمایت‌ها و کم‌توجهی دولت از جمله چالش‌های صنایع پایین‌دستی در زنجیره ارزش صنعت نساجی است. این مشکلات به‌انحای مختلف بر این زنجیره اثرگذار خواهد بود. بنابراین زمینه‌سازی لازم

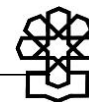
برای تقویت مشارکت فعالان صنایع نهایی در زنجیره ارزش می‌تواند در بهره‌مندی کشور از ظرفیت‌های ایجاد شده در این صنایع مفید باشد. در این خصوص تأسیس کنسرسیوم‌های صادراتی، حمایت‌های دولت در راستای تسهیل حضور تولیدکنندگان در نمایشگاه‌های بین‌المللی می‌تواند روشی مؤثر برای بازاریابی محصولات داخلی از جمله فرش دستباف و ماشینی ایران باشد. حمایت از ایجاد برندهای تجاری در حوزه صنعت پوشاک و ایجاد محتوای فرهنگی و مد مبتنی بر تقاضای بازار در منسوجات و پوشاک کشور و جلوگیری از قاچاق پیشنهاد می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی

صنعت نساجی در ایران از قدمت طولانی برخوردار بوده و یکی از مهم‌ترین بخش‌های اشتغالزاست. توجه به این صنعت به‌ویژه در شرایط کنونی کشور که رفع بحران بیکاری و افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی کشور است، اهمیت خاصی دارد. رفع چالش‌های تکمیل زنجیره ارزش در این صنعت موجب استفاده کارآتر از منابع کشور و ارزش‌آفرینی بیشتر این صنعت خواهد شد. به همین منظور در ادامه راهکارهایی برای تحقق این امر ارائه شده است.

توانمندسازی تجاری صنعت نساجی

- تدوین و اجرای برنامه راهبردی صادراتی صنایع نساجی و پوشاک،
- تأسیس کنسرسیوم‌های صادراتی در راستای تسهیل حضور تولیدکنندگان صنایع نهایی در نمایشگاه‌های بین‌المللی با هدف بازاریابی محصولات داخلی از جمله انواع فرش و پوشاک،
- تقویت و ایجاد مؤسسات فراهم‌کننده خدمات توسعه کسب‌وکار (مانند خدمات مهندسی، مشاوره‌ای، طراحی، بازاریابی و برندینگ) و حمایت از همکاری‌های مشترک بین مؤسسات داخلی و مؤسسات معتبر خارجی در زمینه‌های خدماتی مانند مشاوره، تحقیقات و بازاریابی،
- پشتیبانی از ایجاد شبکه خرده‌فروشی منسوجات و پوشاک ایرانی در سطح ملی و منطقه‌ای،
- حمایت از ایجاد برندهای تجاری در حوزه صنعت پوشاک و تدوین و اجرای کامل قانون درج‌شناسنامه کالا بر منسوجات و پوشاک،
- مبارزه با ورود کالاهای قاچاق و به‌ویژه با برندهای جعلی، مقابله با کم‌اظهاری، بداظهاری و تخلفات گسترده دیگر (واردات منسوجات و پوشاک) در گمرک‌ها و سامان‌دهی و تجمیع و تمرکز واردات منسوجات و پوشاک (گمرک‌های تخصصی).



تقویت واحدهای تولیدی و تشکیل خوشه‌ها

- توسعه صنایع نساجی و پوشاک بر مبنای تمرکز بر تقویت و تکمیل خوشه‌های موجود در سطح مناطق کشور و حمایت از ایجاد و توسعه ساختارها و مؤسسات پشتیبان خوشه،

- بازسازی و نوسازی صنایع نساجی و پوشاک به منظور جایگزینی ماشین‌آلات فرسوده و انرژی‌بر و توسعه ظرفیت‌ها تولیدی و صادراتی بر اساس فناوری‌های روز،

- سرمایه‌گذاری در تولید پارچه لباسی (به ویژه تار - پودی)،

- پشتیبانی و ارائه مشوق‌ها برای توسعه بخش رسمی (واحدهای صنعتی) تولید پوشاک،

- تقویت ظرفیت‌های قانونی برای حمایت از صنعت مد با هدف ایجاد محتوای فرهنگی و مد مبتنی بر تقاضای بازار در منسوجات و پوشاک کشور، حمایت از مالکیت معنوی و برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های نساجی، پوشاک و مد.

رفع چالش‌های تأمین مواد اولیه

- افزایش تولید (سطح زیرکشت) پنبه در کشور و اصلاح نژاد پنبه تولیدی کشور در جهت آب‌بری کمتر و تولید محصول بیشتر و باکیفیت‌تر،

- مدیریت عرضه محصولات در بورس کالا و تأمین حداکثری نیاز صنایع پایین دست توسط تولیدکنندگان صنایع بالادست،

- اصلاح آیین‌نامه جزء «۴» بند «الف» ماده (۱) قانون الحاق بخشی از تنظیم مقررات مالی دولت (۲) و ارائه تخفیف خوراک در صنعت پتروشیمی متناسب با تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر و تأمین نیاز داخل.

آموزش و تحقیق و توسعه در صنعت نساجی

- حمایت از تحقیق و توسعه، مطالعات بازار، ارتقای کیفیت و نوآوری، برندهای ملی، ایجاد مؤسسات خدمات پشتیبان صادرات و آموزش در زمینه صادرات.

منابع و مأخذ

۱. رضا محتشمی‌پور، آنچه باید سیاستگذاران ارشد کشور در توسعه زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی کشور به آن بپردازند، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۹۶.
۲. آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹.
۳. تحلیل زنجیره ارزش صنعت نساجی، مرکز مطالعات زنجیره ارزش در صنعت نفت و گاز، vcmstudy.ir.
۴. گزارش عملکرد سالیانه، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سال‌های مختلف.
۵. آمار معاملات شرکت بورس کالای ایران، ۱۳۹۸.
۶. تدوین سند سیاست‌های صنعتی، معدنی و تجاری (شناسایی و معرفی رشته فعالیت‌های صنعتی پیشران و دارای اولویت)، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۸.
۷. صورت‌های مالی منتهی به اسفند سال ۱۳۹۸ شرکت پتروشیمی تندگویان، ۱۳۹۹.
۸. نجفی علمدارلو، حامد، بررسی اقتصادی تولید پنبه در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۶۶۷۴، ۱۳۹۸.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۷۲۳۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ضرورت تکمیل زنجیره ارزش در صنعت نساجی و ارائه راهکارها (۱)

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه صنعت)

تهیه و تدوین کنندگان: فاطمه میرجلیلی، سعید شجاعی، احسان سلطانی

اظهار نظر کننده: امید سلیقه

ناظران علمی: محمدحسن معادی رودسری، علی اصغر ازدری

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. صنعت نساجی

۲. زنجیره ارزش



تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۸/۲۴